

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: [تی یری میسان](#)
برگردان از: سیلویا بیژنیان - [Sylvia Bejanian](#)
۰۱ فبروری ۲۰۲۰



تغییر رژیم های سیاسی؟

در ۲۸ کشور جهان هم زمان تظاهرات بسیار مهمی برگزار می شود که رژیم های سیاسی دولت های مستقر را زیر سؤال می برد. برتری مدل های دموکراتیک که از سوی اکثریتی در دوران پایانی قرن بیستم مورد قبول بوده اند، هم اکنون زیر سؤال رفته است. به عقیده "تی یری میسان" قوانین اساسی حاکم، اجازه حل مشکلات کنونی را نخواهد داد چرا که آنها نتایج ارزشی و رفتاری را شکل داده اند.

ولترشیکه / دمشق (سوریه) / ۳۱ جنوری ۲۰۲۰



امروز در جوامع ما- به صورت فتنه انگیزی سخنرانی های سیاسی فوق العاده مودی-در حال ترویج این عقیده می باشند که ما از حیطة دموکراسی خارج خواهیم شد و نوعی دیکتاتوری جایگزین آن خواهد شد. حالا کدام دیکتاتوری! در رژیم دیکتاتوری یک شخص و یا یک گروه قانون گذار است. دیکتاتوری رژیمی است که در آن حاکم عوض نمی شود. اگر فرانسه اینطور است، دیکتاتوری را امتحان کنید و عواقب آن را هم خواهید دید. امانوئل مکرون ۲۴ ماه جنوری ۲۰۲۰

در چند قاره جهان ۴۸ کشور علیه رژیم حکومتی خود بر خاسته اند . تا کنون هیچ جنبشی به این اندازه بزرگ در جهان دیده نشده است . پس از دوران جهانی شدن مالی ، اکنون ما با اعتراضات بر سیستم های سیاسی روبه رو هستیم و تصور می کنیم اشکال جدیدی از حکومت به ناگهان ظهور خواهند کرد .

برتری دموکراسی

قرن نوزدهم و بیستم شاهد پیروزی انتخابات توسط توده عظیمی از مردم بوده است (انسان های آزاد، بینوایان، زنان، اقلیت های قومی و غیره)

متحول شدن طبقه متوسط باعث شده تا این طبقه زمان بیشتری را صرف خود کند تا این که به مسائل سیاسی بپردازد.

این موضوع سبب شده تا بحث و جدال گسترش یابد و در رفتار های اجتماعی نرمش بیشتری دیده شود .

وسایل ارتباط جمعی حاضر اجازه داده اند تا افراد مشتاق در زندگی جمعی مشارکت داشته باشند . انتخاب کردن یک رئیس جمهور تنها پاسخی به یک مبارزه اجتماعی نمی باشد، چرا که امروزه چنین مبارزاتی پیوسته در جریان می باشند. در گذشته، انتخابات به طور اتوماتیک و بیشتر به صورت موروثی بوده است ، اما امروزه این وضع تغییر کرده امکان دسترسی به اطلاعات برای همه میسر می باشد و می توان بلافاصله عقیده خود را به دیگران منتقل نمود .

به طور جاهلانه ای تغییرات اجتماعی و امکانات تکنولوژیک را به انتخاب یک رژیم نسبت داده ایم که آن دموکراسی می باشد. در حالی که دموکراسی را نمی توان به صورت یک قانون معنا کرد، بیشتر یک وضعیت فکری و یک آرمان می باشد، که مطابق با فرمول آبراهام لینکلن عبارت است از : " حکومت مردم ، توسط مردم و برای مردم " .

ما خیلی زود متوجه شدیم که نهاد های دموکراتیک بهتر از سایر نهاد ها نمی باشند . با این که امتیاز ها را گسترش می دهند ، اما در واقع اجازه می دهند تا اکثریتی، اقلیتی را مورد بهره کشی قرار دهد . ما قوانین بسیاری را برای بهبود این سیستم وضع کرده ایم و توانسته ایم قدرت های سیاسی را از هم جدا سازیم و به حمایت از اقلیت ها بپردازیم .

با این وجود ، مدل دموکراتیک دیگر کارایی ندارد . بسیاری از شهروندان متوجه شده اند که به عقایدشان وقعی گذاشته نمی شود . این موضوع مربوط به نهاد ها نمی باشد ، چرا که آنها هیچ تغییر اساسی نداشته اند ، بلکه نحوه استفاده از آنها مورد سوال بوده است.

ما با وینستون چرچیل می توانیم در این موضوع موافق باشیم که : "دموکراسی یک روش بد حکومتی است ، اما بهتر از سایر روش ها ست" . از این رو متوجه می شویم که هر یک از رژیم های سیاسی باید به دل مشغولیت های مردم با تاریخ و فرهنگ متفاوت پاسخ دهد . آنچه در یک نقطه خوب به نظر می رسد ، در نقطه و دورانی دیگر نمی تواند خوب باشد.

باید از واژه های سیاسی حذر کرد . معانی کلمات با زمان تغییر می کنند . اغلب با اهداف خوب و زیبا وارد می شوند و با وجوه ناشایستی کنار زده می شوند . ما اغلب از بیان عقاید خود با کلماتی که به کار می بریم گیج می شویم و کسانی هستند که با این کلمات خیانت می کنند . من در این نوشته به واژه های مهم تری اشاره خواهم کرد .

باید از نحوه حکومت کشور فرانسه سوال کنیم . نه روشی که امانوئل مکرون دموکراسی را در مقابل دیکتاتوری قرار می دهد ، تا بتواند این گونه سوال مطرح شده را فیصله دهد . دموکراسی شامل رژیم حکومتی است که عده بیشتری در آن مشارکت دارند و در مقابل الیگارشسی قرار دارد که در آن دولت تنها به دست عده ای حکومت می شود. حال اگر به عده افرادی که در تصمیم گیری و نحوه اجرای آن نقش دارند بپردازیم ، خواهیم دید که دیکتاتوری به مفهوم رژیمی

است که در آن رهبر سیاسی و یا فرماندهی نظامی می تواند تصمیم بگیرد بی آن که مناظره ای صورت گرفته باشد .
که موضوع مغایر با حکومت پارلمانی است .

حقانیت جمهوری

پیش از پرداختن به این موضوع باید حقانیت را مطرح نمایم که علت اصلی به رسمیت شناختن یک حکومت یا یک دولت موجه می باشد که ما حاکمیت و قدرت آن را پذیرفته ایم .

ما تابع دولتی هستیم که اعتقاد داریم از منافع ما حمایت می کند . "جمهوری" در دوران رومی این معنا را داشته . به این صورت که پادشاهان فرانسه با شکیبائی توانستند عقیده به "منافع عمومی" را پایه ریزی کنند ، در حالی که دولت های آنگلو-ساکسون پس از قرن هفدهم با آن و تجربیات اولیور کرامول مخالفت کردند . امروزه انگلستان و ایالات متحده تنها کشورهایی هستند که معتقداند منافع عمومی وجود ندارد ، تنها یک مجموعه بسیار بالائی از خواسته های پراکنده و متضاد هست .

بریتانیایی ها پیوسته با کسانی که به منافع عموم گرایش دارند و می خواهند حکومت خونین اولیور کرامول را باز سازی کنند ، مخالف اند . ایالات متحده نیز معتقداند که هر ایالت باید وابسته به جمهوری باشد (به مفهوم پاسخ گوئی به منافع مردم محلی آن) ، اما از این وحشت دارند که دولت فدرال اینطور رفتار کند (چرا که نمی تواند پاسخگوی خواسته های تمام مردم این دیار مهاجران باشد) . از این رو یک کاندیدا در ایالات متحده نمی تواند مانند سایر نقاط جهان برنامه ای ارائه دهد که در آن نقطه نظر خودش را از جامعه مطرح سازد ، بلکه باید منافع گروهی که از او حمایت می کنند را در نظر بگیرد .

تفکر آنگلو ساکسون به نظرم عجیب می آید ، اما این به خودشان مربوط است . من نقطه نظرم را متوجه ملت هائی می کنم که به منافع جمع توجه دارند . برای آنها تمام رژیم های سیاسی مورد قبول می باشند ، به شرط آن که بتوانند منافع جمع را حمایت کنند ، اما متأسفانه این موضوع هم اکنون در کشورهای دموکراتیک ما وجود ندارد . چرا که هیچ نهادی نمی تواند ضامن خدمات به ملت باشد و این موضوع کاربردی است .

فضیلت و تقوای جمهوریت

این سؤال پیش می آید که چه کیفیتی برای اعمال درست یک رژیم سیاسی دموکراتیک و یا سایر رژیم ها ضرورت دارد . در قرن شانزدهم ، ماکیاول با مطرح کردن اصل فضیلت و تقوا به این سؤال پاسخ داد . منظور از تقوا ، تنها اخلاقیات نیست ، بلکه یک فرمی از چشم پوشی هائی است که اجازه می دهد به منافع جمع توجه شود ، بدون آن که منافع شخصی در آن مطرح باشد: این صفتی است که در آن تمام پرسنل سیاسی کشورهای غربی از آن بوئی نبرده اند . اغلب از ماکیاول به عنوان متفکر حيله گر و حقه باز سیاسی یاد می کنند . البته که او انسان ساده ای نبود، بلکه کسی بود که به شاهزاده می آموخت تا چگونه از قدرت سیاسی خود برای پیروزی بر دشمنان و سوء استفاده از آن بهره برداری نماید .

نمی توان گفت تقوا چگونه به وجود می آید ، اما نحوه ناپدید شدن آن برای همه امری است مسلم: ما دیگر به ثروتمندان احترام نمی گذاریم ، همچنین نسبت به کسانی که برای منافع جمع خدمت می کنند هیچ گونه ارزشی قائل نیستیم . از آن بدتر ، زمانی که یک نفر برای منافع جمع خدمت می کند ، تصور می کنیم باید در ابتداء ثروتمند باشد . چنانچه افراد نخبه سیاسی را از نظر بگذرانیم ، خواهیم دید که آنها از ابتداء ثروتمند نبودند ، مگر آن که ثروتی به ارث برده باشند .

بررسی های جن شارپ و تجربه انقلاب های رنگین نشان داده که هر رژیم سیاسی حاکم ، مستلزم داشتن حاکمینی است که شایسته ملت آن می باشند . و هیچ رژیمی نمی تواند بدون حمایت مردم باقی بماند . نتیجه آنکه همه ما در عدم وجود تقوای حاکمان مقصر می باشیم . پس پیش از تغییر دادن نهاد ها باید خودمان را تغییر بدهیم و تنها به جیب های پر پول توجه نکنیم بلکه حواسمان به تقوای آنها باشد .

برادری انقلابی

به موضوع تقوای انقلاب کبیر فرانسه، موضوع برادری نیز اضافه می شود . اینجا نیز مسأله اخلاق و مذهب ، همچنین کمک های اجتماعی، به حساب نمی آیند، بلکه برادری در حمل سلاح اهمیت دارد . این سربازان داوطلب برای نجات کشورشان از تهاجم کشور پروس به ارتش حرفه ئی وارد عمل شدند . آنها هیچ تفاوتی میان اشراف زادگان و سایر افراد قائل نبودند ، بلکه در تحقق آرمانی مشترک در کنار هم قرار گرفته بودند . و از این رو پیروز شدند . سرود ملی آنها (مارسه یز) بود ، که سرود ملی جمهوری فرانسه و سرود انقلاب کبیر روسیه در اوایل پیروزی بوده است (پیش از دوران گولاگ) . این چند بیت هنوز نامفهوم باقی مانده اند :

ای ملت سلاح به دست بگیرید

قشون خود را آماده سازید

به پیش ، به پیش

تا خون ناپاک دشمن

درآب راه های ما بریزد !

امروزه می پنداریم که آب راه ها با خون ناپاک دشمن باید آبیاری شوند . اما خون سربازان یک حاکم بی رحم تنها زمین های ما را مسموم خواهد کرد . در ناخودآگاه جمعی آن دوران "خون ناپاک" در برابر "خون آبی رنگ" افسران امپراتوری پروس قرار داشت و تجلیل از خون قربانی اعظم باعث شد تا برادری ارتشیان انقلابی به وجود آید.

اما حال چگونه است ؟

این دوران به انقلاب کبیر فرانسه شباهت دارد : بار دیگر جامعه به طبقات تقسیم شده است . از یک سو رهبران می باشند که از ابتدای تولد خود انتخاب شده اند ، سپس روحانیون که اخلاق اجتماعی را توسط رسانه ها بیان می کنند و یک دولت سومی که با گاز اشک آور و توپ های پلاستیکی به جانش افتاده اند . اما در حال حاضر نباید برای وطن جان فدا کرد ، چون منافع هزاران مدیر کارخانه در جلسه داووس مطرح می باشد . با این وجود ، در تمام نقاط جهان ، ملت ها به دنبال نوع جدید حکومت هستند که باید مطابق با خواسته های تاریخی و آرمان های آنها باشد .